

بررسی جایگاه سیاسی - اجتماعی زنان کرمانی در دوره قاجار

لیلا تاتار

کارشناس ارشد رشته تاریخ تشیع، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب

نام نویسنده مسئول:

لیلا تاتار

چکیده

عصر قاجار را از آن روی می توان در میان اعصار ایران متمایز و حائز اهمیت دانست که مردم به دنبال عوامل آگاهی بخش و یاری رسان به مفاهیم نوینی از زندگی و حیات سیاسی اجتماعی دست یافتند و این بار با تلقی نوی خود، انتظارات جدیدی از دولتمردان و حکومت داشتند. تمامی حرکت هایی که در این عصر شکل گرفت را می توان خواست ملی دانست از برای رفع ظلم، ایجاد برابری و آزادی و رعایت حقوق مردم. در این میان زنان نیز دوشادوش مردان دست به حرکتی زدند و بیش از پیش نام خود را در دستاوردهای جنبش های مردمی عصر قاجار بر زبان ها راندند. یکی از وجوه حیات اجتماع زنان در عصر قاجار را مشارکت آنان در جنبش ها و تحریکات این عصر دانست. آشنایی ایرانیان بامفاهیم تازه روشنگری و آزادی خواهی فصلی تازه در حیات آنان گشود و خواست ایشان را متحول با اعصار گذشته ساخت. اقشار مختلف اجتماع که تشنه احقاق حقوق از دست رفته خود و حصول آزادی و برابری بودند دست به هر اقدامی زدند تا به هدف خود نائل آیند. کرمان یکی از شهرهایی است که در دوران قاجار آستان حوادثی شد و نقش زنانی که به دربار قاجار راه یافتند در اوضاع سیاسی و اجتماعی بسیار موثر و چشمگیر است. از جمله می توان به فاطمه خانم سنبل باجی، شهربانو خانم، حاجیه علویه خانم کرمانی، بیجه منجمه اشاره نمود.

واژگان کلیدی: قاجار، کرمان، زنان، اوضاع سیاسی، اوضاع اجتماعی.

مقدمه

در این تحقیق به بیان مطالبی پیرامون مساله حضور زن کرمانی در عرصه سیاسی و اجتماعی عهد قاجار می پردازیم. زن کرمانی در جریان حوادث دشوار و سخت این مرز و بوم به رغم محرومیت ها و محدودیت های بسیار، همواره به عنوان نیمی از جامعه نقشی پنهان و مستمر در روند حوادث تاریخی ایفاء نمود و بر خلاف بینش متداول جامعه در جای جای امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فعال بود و از پایه های آن به شمار می رفت. او که در خلال سالیان سال یورش و تهاجمات اقوام بیگانه در کشور شاهد استقرار دیکتاتوری ها و سلطنت های استبدادی بود، بیش از هر قشری دیگر مورد ظلم و جور قرار گرفت و به شکلی تدافعی در حصار خانه محبوس شد. اما این محبوس شدن روح او را در بند نکرد بلکه درک این محرومیت ها شور و شوق مساوات طلبی و کسب حقوق انسانی را در او تجلی ساخت و تشنگی او را بیشتر نمود.

چرا که در نظام حکومتی استبدادی که سلاطین به شکل ارثی به حکومت می رسیدند و مردم در تعیین سرنوشت خود هیچ دخالتی نداشتند، زنان بیش از مردان مورد اجحاف قرار می گرفتند و تنها زنان همجوار با دستگاه های قدرت چون شاهان و صدراعظم ها و شاهزادگان و خانان می توانستند به نوعی در حوادث سیاسی دخلی باشند و البته این دخالت ها بیشتر از طریق نفوذ بر شوهران و پسرانشان اعمال می شد. و گاه حتی در مناطقی به حکومت منطقه، ریاست ایل یا شهری می رسید و یا می توانست با پا در میانی در حوادث سیاسی از نیروی متعادل کننده ای در برابر استبداد استفاده کنند. اما در محدوده ی طبقه متوسط و پائین زنان نقش متفاوت و موثری ایفاء می کردند به طوری که در مناطق کشاورزی و روستایی از طریق شرکت در فعالیت های اقتصادی، نقش مهمی در اقتصاد خانواده و کشور ایفاء می نمودند و به همان نسبت از آزادی های اجتماعی بیشتری برخوردار می شدند. اما در درون شهرها زندگی در چهارچوب سنتی خود جریان داشت و زنان در مشاغل محدود عهده دار فعالیت های اجتماعی بودند. از اواخر سده نوزدهم میلادی که دگرگونی های اجتماعی وسیعی در سراسر جهان به وقوع پیوست و جنگ های ایران و روس زمینه های آشنایی با این دگرگونی ها توجه به تعلیم و تربیت بانوان ایرانی مطمع نظر قرار گرفت، چرا که پیشرفت یک ملت مرهون دانش و بینش تمامی اقشار آن جامعه می باشد.

بدین ترتیب با فعالیت بانوان در جریان تنباکو و انقلاب مشروطیت این تفکر سرعت گرفت و زنان با وجود اینکه در نخستین قدم های خود حتی از حقوق اولیه خود محروم شده بودند و اجازه ی حق رای نداشتند، جهت کسب آرمان ها خویش متحد شده و نهضتی فرهنگی آغاز کردند. این نهضت در سه شاخه ایجاد انجمن های سیاسی، تاسیس مدارس و چاپ نشریات تبلور یافت و با هدف آگاه ساختن جامعه نسوان گسترش پیدا کرد. با این روند تکامل جامعه زن کرمانی به شیوه ای جدید همپا و همراه مردان و به عنوان یک پتانسیل قوی در حوادث تاریخی به ایفای نقش پرداختند و به تدریج به مقام و موقعیت جدیدی در جامعه دست یافتند. رسیدگی به اموال و دارایی پادشاه که از امور حکومتی بود در این دوره بر عهده زنان اندرونی بود و شاه به علت اعتمادی که به آنان داشت، این مسئولیت را به اندرونی محول کرده بود. زنان درباری به دلیل شرایط مناسب، امکانات کافی، اوقات فراغت و تمایل شاه به داشتن زنانی با سواد و با معلومات از آخوند طالقانی و میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله (نشاط) درس می گرفتند. تعاد قابل توجهی از آن ها شعر می سروند و بسیاری صاحب خط خوش بودند و نسخه های خط خوش قرآن کریم آنان در کتابخانه سلطنتی و آستانه قم موجود است. حرمسرای ناصری اما آخرین حرمسرای گسترده پادشاهی ایران بود. در این حرمسرا آمیزه ای از سنت و تجدد و تقابل کهنه و نو به چشم می خورد که در شناخت تحولات مربوط به زنان، حایز اهمیت است. در این پایان نامه بر آنیم تا با بررسی وضعیت و جایگاه زنان کرمانی در جامعه و نقش پر رنگ آنها در مسائل سیاسی و اجتماعی در دوران قاجار را مورد بررسی قرار دهیم. امید که با استناد به مطالب برگرفته از منابع موجود بتوانیم به این موضوع مهم بپردازیم.

سوالات تحقیق

- ۱- آیا در دوره قاجار، زنان کرمانی در مسائل سیاسی نقش موثری داشته اند؟
- ۲- زنان کرمانی دوره قاجار در مسائل اجتماعی چه جایگاهی داشته اند؟
- ۳- جایگاه فرهنگی زنان کرمانی در دوره قاجار چگونه بوده است؟

اهداف تحقیق

- ۱- تبیین جایگاه سیاسی زنان کرمانی در دوره قاجار
- ۲- تبیین جایگاه اجتماعی زنان کرمانی در دوره قاجار
- ۳- تبیین جایگاه فرهنگی زنان کرمانی در دوره قاجار

اهمیت و ضرورت تحقیق

با مطالعه تاریخ ایران از گذشته های دور می توان نقش زنان را در مسائل سیاسی، اجتماعی یا به پای مردان مشاهده کرد. در این مورد می توان به نقش مهم و اساسی زنان کرمانی در مسائل سیاسی و اجتماعی در برهه زمانی انتقام کینه جویانه آقا محمدخان نیز اشاره نمود. حضور زن در دربار قاجار، از دوران فتحعلی شاه است که رنگی جدی به خود می گیرد. در واقع این زنان را می توان گروگان های سیاسی دانست که وجه المصلحه درگیری و جنگ میان پدر و برادرانشان یا فتحعلی شاه قرار می گرفتند. در مقایسه با حرمسرای فتحعلی شاه که زنانش بیشتر هنرمند، خطاط و شاعر بودند و دخالت آنان در امور سیاسی تقریباً محدود به شفاعت و میانجی گری بود، در حرمسرای ناصر شاه زنان نقشی تعیین کننده در مسایل سیاسی ایفا کردند. در دوره اول حکومت ناصرالدین شاه اختلاف مهد علیا با امیرکبیر سرانجام به قتل امیر انجامید. مهد علیا ریاست حرم خانه شاه را بر عهده داشت و علاوه بر آن، دستگاهی جداگانه در اختیار داشت که نامه ها و فرمان هایش را به زمامداران و ماموران حکومتی اعلام می کرد. او زنی مقتدر و قوی بود و نفوذ زیادی بر ناصرالدین شاه داشت که می توان جایگاه سیاسی زنان کرمانی هم در این دوران مشاهده کرد.

روش تحقیق

روش انجام این پژوهش اسنادی است و ابزار گردآوری آن کتابخانه ای و شیوه گردآوری اطلاعات فیش برداری و به صورت توصیفی تحلیلی بررسی می شود.

سازماندهی تحقیق

در فصل اول به کلیات این پایان نامه که شامل بیان مساله، اهمیت تحقیق، اهداف تحقیق، سوالات تحقیق، روش تحقیق است پرداختیم. در فصل دوم پیشینه تحقیق و کارهایی که دیگران درباره موضوع تحقیق انجام داده اند به صورت خلاصه بیان شده و فصل سوم که به جایگاه سیاسی زنان کرمانی دوره قاجار پرداخته است. فصل چهارم جایگاه اجتماعی زنان کرمانی در دوره قاجار و در فصل پنجم نتیجه گیری و فهرست منابع مورد استفاده در پایان نامه بیان شده است.

جایگاه سیاسی اجتماعی زنان کرمان پیش از قاجار

تاریخ کهن سرزمین، نام زنان بزرگ و نستوهی را بر سینه خود رقم زده است که مولف کرمان تنها در مورد یکی از آنها چنین داوری می کند که: (آن مخدره مدبره کافیه خیره در تعمیر ولایت و ترفیه حال رعیت و افاضه خیرات و اشاعه حسنات و احترام به علما و انعام فضاء به نوعی قیام نموده که عشر عشیره آن از هیچ پادشاهی به ظهور نرسیده است. (وزیری، احمد علی خان، ۱۳۵۳، تحشیه باستانی پاریزی، ص ۱۵۵). آری زنانی که یک دهم از خدمات آنها را هیچ مردی توانا و پادشاه مقتدری نتوانست به انجام برساند. بی تردید این زنان بزرگ و صاحب نام از تبار همان سرافرازان تاریخ ایران هستند، زنان بزرگ و مقتدری که فرماندهی یک لشکر بزرگ، در نبردی سخت و سنگین را به عهده می گرفتند و پیروز و سرافراز از جبهه باز می گشتند و مردان ستمگری که قصد تجاوز به این آب و خاک را داشتند به زانو در می آوردند و نیز زنانی چون ماندانا که پانصد سال قبل از میلاد مسیح اولین دانشگاه حقوقی را راه اندازی کرد تا فرزند برومندش (کوروش کبیر) در آن درس عدالت و اخلاق و انسانیت بیاموزد و چنین است که اگر به وجود آمد مرد بزرگ تاریخ که در دامان زنی چون ماندانا پرورش یافته و به چنین ارزش اعتباری دست یازیده است. (سید محمدعلی گلاب زاده، ۱۳۹۰، زن کرمانی روشنای زندگی، ص ۴۳۵). باری زنان نامدار و فرزانه تاریخ کرمان، اگرچه بسیار نیستند و یا اگر هم بوده اند، در غبار تاریخ گم شده اند و زن ستیزان روزگار گذشته از ذکر نام و بزرگی هایشان خودداری کرده اند، با این همه عظمت همین شمار اندک تا آنجاست که به درستی می توان گفت هر یک به تنهایی، خود تاریخی از ارزش ها به شمار می روند، آن گونه که برخی از آنها یک تاز پهنه دانش و بینش بوده و روزگاران خود را از آبشخور فرزاندگیها و توانایی های گوناگون، سیراب کرده اند.

در هنگامی که برخی از مردها در بی خبری و نادانی و ناتوانی به سر می برند و به اموری ناچیز و بی بها روی می آورند، این شیر زنان در عرصه های مختلف حضور یافته و رایب افتخار و بالندگی را بر ستیغ بلند این دیار بلند این دیار به اهتزاز در آوردند. شگفتا که این گروه از همان نخست حتی در روزگاری که دیگران به دامان (لات و عزی) دست می زدند و (منات و هبل)^۱ را می پرستیدند خدای یگانه را پرستش می کردند و با هر چه رنگی از بی دینی و کفر داشت در ستیز بودند که این باور اندیشه پاک بر ارزش آنها می افزاید. (همان، ص ۴۳۶)

ضمناً ممکن است این سوال پیش آید که برخی از یاد شدگان در این بخش چه هنری داشته اند؟

^۱-بتهای مهم عصر جاهلیت

پاسخ این سوال این است که اولاً تعداد آنها از یکی دو مورد فراتر نمی رود. ثانیاً چه بخواهیم و چه نخواهیم نام آنها در تاریخ آمده و از این جهت در شمار مشاهیر هستند، سوم اینکه حتی کسانی مانند پنبه خانم که از هنرها و آگاهی های او در تاریخ ذکری به میان نیامده است همین که با حضور خود در کنار مرد سرکش و عصیانگری چون عبدالحمید میرزا و نصیحت گاه او توانست بخشی از آتش خشم او را کنترل کند، تا او بلائی کمتری به دامان مردم این دیار بریزد، خود هنری است که نباید از آن غافل ماند (تا چه قبول افتد و چه در نظر آید) اما برخی از آنان نیز اصلاً کرمانی نیستند مثل ترکان خاتون که از تبار ترک و ترک زبان بود چه ارتباطی به کرمان دارد؟ اگر چه آنها ترک زبان بودند اما وقتی به کرمان آمدند دهها سال ماندند، عرضه خدمت کردند، در این شهر زیستند، در این شهر مردند، در این شهر با وصیت خودشان دفن شدند، از آنها نسل ها بر جای مانده و به قول استاد باستانی چنان با فرهنگ و آداب و رسوم و زبان مردم کرمان خوی گرفتند که برخی از آنها از هر محله شهری کرمانی تر صحبت می کردند. خلاصه این سوال اخیر همان جایگاهی را دارد که بگوئیم خانواده های ترک زاده کرمان، که اتفاقاً فامیل بزرگی هم هستند را چه به کرمان؟ (همان)

پیشینه تحقیق

مراجعه به منابع تاریخ ایران در دوره قاجار نشان می دهد که مورخان هیچ گاه به مسائل مربوط به زنان اعم از مقام و منزلت زن در جامعه به طور خاص و در قالب فصل یا اثری مستقل نپرداخته اند و علت اصلی این، عدم پرداختن به شرح زندگی اقتصادی و اجتماعی زنان را بایستی در توجه خاص بیشتر مورخان این دوره به شرح حوادث سیاسی و یا شیوه زندگی حاکمان این دوره جستجو کرد. همین دلیل مسائل مربوط به موضوع این پژوهش را به ناگزیر باید از لابه لای متون و در خلال نوشته های این منابع جستجو کرد، که به نمونه هایی اشاره می شود:

تاریخ کرمان، تالیف احمد علی خان وزیری

این کتاب نوشته احمد علی خان وزیری با تصحیح و تحشیه محمد ابراهیم باستانی پاریزی است که در سال های ۱۳۴۰، ۱۳۵۲ توسط انتشارات ابن سینا و در سال ۱۳۶۴ توسط انتشارات علمی در دو جلد منتشر شده است. همچنین توسط انتشارات علمی در سال ۱۳۷۰ به چاپ رسیده و دارای دو جلد با تصویر و کتابنامه می باشد. تاریخ کرمان را از زمان پیدایش تا سال ۱۲۹۳ ه ق در بر دارد. انشاء آن به سبک منشیات قائم مقام عهد قاجاریه تدوین یافته است. از کتب ذی قیمت و بسیار مفید این زمان محسوب می شود اهمیت کتاب در قسمت اخیر آن، یعنی زمان افشاریه و زندیه و قاجاریه است که مولف وقایع را دقیقاً از این و آن شنیده و اسامی افراد و امکانه را به دقت و وقایع را با جزئیات تمام و کمال بیان نموده است و از این جهت منحصر به فرد شمرده می شود. در ارتباط با جایگاه زنان وزیری هر چند محدود و مختصر در جهت تبیین و تشریح نقش زنان در فعالیت های اقتصادی سخن گفته است.

تاریخ کرمان، تالیف محمود همت

این کتاب نوشته محمود همت کرمانی است که توسط انتشارات علمی در سال ۱۳۶۴ به چاپ رسیده و دارای ۵۰۴ صفحه با تصویر و کتابنامه می باشد. محمود همت از مورخان کرمانی در عصر حاضر است. وی تلاش های زیادی در آموزش و بیداری کرمانیان به عمل آورده است، محمود همت اشارات بی پرده ای در باب مسائل تاریخی در کرمان پرداخته، هر چند در صحت و سقم بعضی از آنها تردید است، اما در بعضی موارد از ارزش تاریخی زائدالوصفی برخوردار است. همت حوادث کرمان از ابتدای پیدایش تا دوره پهلوی دنبال کرده است. در این اثر، مولف سعی کرده تا تاریخ را به صورت نقلی بیان کند در این کتاب نویسنده از نقش زنان در فعالیت هم اقتصادی و اجتماعی ایشان در شهر و حومه آن پرداخته است.

تاریخ بیداری ایرانیان، تالیف میرزا محمدبن علی کرمان ملقب به نظام السلام در سال ۱۳۰۹ هق به تهران مهاجرت، وی پس از استقرار مشروطیت تصمیم به ترک تهران و مراجعت به کرمان گرفت. وی در سال ۱۳۳۷ هق در ۵۷ سالگی به مرض آنفلوآنزا در گذشت. با وجود اینکه نویسنده دوران مشروطیت را به چشم خود دیده است اما در این کتاب به طور مفصل از کرمان عصر مشروطه پرداخته، حس این کتاب آن است که مولف همه افراد و جریانات سیاسی زمان خود را با افکار تجدد خواهانه خویش می سنجد و در باب فعالیت زنان در جریان مشروطه اشاراتی داشته بخصوص به فعالیت زنان در جریان دعوای فرقه شیخیه و متشرحه و وظایفی که در این ماجرا انجام داده است.

از قلعه دختر تا دقیانوس، اثر محمد دانشور

محمد دانشور که خود ساکن کرمان است؛ به طور دقیق به وضع مردم کرمان در دوره قاجار و پهلوی پرداخته، وی اشاراتی به محلات کرمان داشته، همچنین محله هایی را که اقلیت های مذهبی در آن روزگار در آنجا ساکن بودند در همین محلات به جایگاه و موقعیت زنان

در این محلات و نقشی که در حفظ آداب و رسوم مذهبی داشته اند، بررسی کرده اند کتاب ارزشمندی است تا به وسیله آن به وضع زندگی اقلیت های مذهبی کرمان پی برد.

خاتون هفت قلعه، تالیف محمد ابراهیم باستانی پاریزی

ایشان در مقاله ای در این اثر به آداب و رسوم و اتفاقات کرمان در دوره قاجار و اوایل پهلوی پرداخته همچنین به نقش و موقعیت سنبل باجی یکی از زنان فتحعلیشاه پرداخته، سنبل باجی که در منطقه رابر دختر کفش دوز ساده ای بود که بعدها یکی از زنان با نفوذ دربار قاجار شد بطوریکه شرایطی مهیا کرد که آسایش و امنیت در کرمان با فرستادن ابراهیم خان ظهیرالدوله به حکومت کرمان فراهم نمود.

کرمان شهر شش دروازه، اثر محمود همت

نوشته های این کتاب حوادث کرمان را از اواسط حکومت قاجار تا اواسط حکومت پهلوی در بر می گیرد، نویسنده علاوه بر اینکه به حوادث سیاسی کرمان پرداخته و حاکمانی که در این دوره به حکومت رسیده اند به نقش و جایگاه زنان در زمینه سوادآموزی دختران و زنان، و همچنین به امور خانه داری، بهداشت، تربیت فرزندان و ... اشاراتی داشته است.

جلوه هایی از زندگی و آداب و رسوم ایران یا سفرنامه لیدی مری شیل

لیدی مری شیل دختر یک بارون ایرلندی و همسر جستن شیل وزیر مختار انگلیس بوده است. او در ۲۹ اکتبر ۱۸۴۹ به همراه همسرش و چهار خدمه به ایران وارد شد. سفر این گروه ۳ سال و ده ماه به طول انجامید. خانم شیل در این مدت به نوشتن خاطرات سفر خود و جریان امور و اتفاقات داخلی ایران پرداخت و اثر خود را به عنوان «جلوه هایی از زندگی و آداب و رسوم ایران» در سال ۱۸۵۶ م به چاپ رساند. این اثر در ایران در ابتدا در مجله نگین و سپس به صورت پاورقی در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید و سپس به صورت کتاب منتشر شد.

خاطرات تاج السلطنه

خاطرات خود را با عنوان خاطرات تاج السلطنه در سال ۱۳۴۳ ق / ۱۳۰۳ ش به قلم آورد و در آن مسائل جدیدی در حوزه ی امور زنان مطرح کرد، می نویسد: اگر زن ها در این مملکت مانند سایر ممالک آزاد بودند و حقوق خود را مقابل داشته و می توانستند در امور مملکت و سیاسی داخل بشوند و ترقی کنند یقیناً من راه ترقی خود را در وزیر شدن و پیمان کردن حقوق مردم و خوردن مال مسلمانان و فروختن وطن عزیز خود نمی دانستم...

افسوس که زن های ایرانی از نوع انسان مجزا شده و جزو بهایم و وحوش هستند و صبح تا شام در یک محبس ناامیدانه زندگانی می کنند و دچار یک فشارهای سخت و بدبختی های ناگواری عمر می گذرانند. در جای دیگر می نویسد: «زندگانی زن های ایران از دو چیز ترکیب شده: یکی سیاه و دیگری سفید. در موقع بیرون آمدن و گردش کردن هیاکل موخش سیاه هزا و در موقع مرگ، کفن های سفید. و منکه یکی از همین زن های بدبخت هستم آن کفن سفید را ترجیح به آن هیکل موخش عز داده، و همیشه پوشش آن ملبوس را انکار دارم.» و نیز تکلیف زن های ایرانی را چنین شرح می دهد: «استرداد حقوق خود مانند زن های اروپایی، تربیت اطفال، کمک کردن به مردها مانند زن های اروپایی، پاکی و عفت، وطن دوستی، خدمت به نوع، طرد کردن تنبلی و خانه نشینی با برداشتن نقاب». و نیز می نویسد: «خرابی مملکت و بداخلاقی و بی عصمتی و عدم پیشرفت تام کارها حجاب زن است.» به جز کارهای نظری در این دوره شکل گیری انجمن های زنانه از قبیل انجمن آزادی زنان (۱۹۰۷م)، اتحادیه ی غیبی نوسان (۱۹۰۷ م)، انجمن مخدرات وطن (۱۹۱۰م) و ... و نیز نشریات اختصاصی مسائل زنان مانند دانش، شکوفه، زبان زنان، نامه ی بانوان، عالم نوسان، جهان زنان، جهان نوسان، وطن خواه، مجله ی نوسان، مجله ی سعادت نوسان شرق و دختران ایران در دفاع از حق آموزش و تعلیم زنان و تاسیس مدارس دخترانه و نیز مساله ی حق رای زنان تاثیر چشمگیری داشت. ناگفته نماند که پیش از مشروطه نیز کسانی به این مساله دامن زدند که می توان از این نمونه ها یاد کرد. قره العین (۱۸۵۲-۱۸۱۴ م) در سال ۱۸۴۸م / ۱۲۶۵ ق در کنفرانس بدشت شاهرود کشف حجاب کرد.

مروری بر جایگاه سیاسی زنان در دوره قاجار

حادثه گریبایدوف

بر پایه ماده سیزدهم عهدنامه ترکمنچای (۱۲۰۷ش / ۱۸۲۸ م) همه کسانی که طی دو جنگ پیشین ایران و روس از دو طرف به اسارت در آمده بودند، باید چهار ماه پس از انعقاد عهدنامه به سرزمین های خود بازگردانده می شدند. دولت روسیه گریبایدوف را برای بازگرداندن اسرای روسی و اجرای دیگر مفاد قرارداد ترکمنچای، به ایران فرستاد. گریبایدوف برای بازگرداندن اسرای زن، شیوه نادرستی را در پیش گرفت و فرمان داد اسرای زن روسی که به همسری و کنیزی مردان ایران در آمده اند را بدون اجازه شوهران و صاحبانشان به نزد او ببرند تا خود از آنان بپرسد آیا از روی رضا و رغبت در ایران می مانند یا اینکه می خواهند به وطنشان باز گردند. از جمله این زنان، دو اسیر

گرچی بودند که با پذیرفته شدن اسلام، به همسری و کنیزی آصف الدوله، دولتمرد قاجاری، درآمد بودند. مخالفت آصف الدوله سودی نبخشید و او تحت فشار شاه، به بردن آن زن به سفارت روس رضایت داد، اما کنیزان به گریبایدوف گفتند مایل اند در تهران بمانند و به هیچ روی قصد بازگشت به گرجستان ندارند. با این وصف، گریبایدوف تصمیم گرفت این زنان را چند روزی در سفارت نگاه دارد تا شاید بتواند آنان را تشویق نماید که بازگردند. طولانی شدن اقامت زنان، بر خلاف میل شخصی آنان بود و این امر شوهرانشان را نگران می ساخت. لذا آیت ... میرزا مسیح، مجتهد معروف تهران که درخواست هایش از دولت قاجاری و سفارت روس در تهران برای رها کردن این زنان رد شده بود، فتوا داد: «تکلیف است بر هر مسلمان تا هم مذهب خود را از دست کافران نجات دهد.» مردان و زنان که غیرت دینی شان به جوش آمده بود، به سوی سفارت روس رفتند. قزاقان حافظ سفارت، به سوی آنان آتش گشودند. جوان چهارده ساله ای به شهادت رسید. پس از آن مردم به درون سفارت هجوم آوردند و هر کسی را که مانع آزاد سازی زنان می شد، کشتند. آنها حتی گریبایدوف را با خنجر از پای در آوردند و از این میان فقط مالتسف، منشی سفارت که پنهان شده بود، نجات یافت. رقم کشته های روسی را در این ماجرا بین سی و پنج تا هشتاد نفر شمرده اند. در حادثه گریبایدوف چند نکته مهم در ارتباط با زنان وجود دارد: ۱- علت اساسی شکل گیری حادثه، زانی بودند که اغلب بر خلاف میلشان به سفارت برده شدند ۲- فتوایی که میرزا مسیح داد، به خاطر آزاد سازی زنان بود ۳- بخشی از جمعیتی که به سوی سفارت رفتند و سپس به آن حمله کردند، زنان تهرانی بودند ۴- جمعیتی که به سفارت حمله برد، همه تلاش خود را باری آزادی زنان به کار گرفت و کار نخست شان آزادی آنان بود ۵- زنان در این حرکت خواسته های جنسیتی نداشتند، بلکه در تلاش برای تحقق آموزه های دینی بودند. (نونگاری و زنانگی در عصر قاجاریه». نشریه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زنان، ص ۵۷).

جنبش تنباکو

شاه از مخالفت آیت ... میرزا حسن آشتیانی با قرارداد توتون و تنباکو بر آشفت و سرانجام دستور داد او را به عراق تبعید کنند. زنان مصم شدند مانع از تبعید مجتهدشان شوند و لذا دسته دسته به سوی محله سنگلج حرکت نموده و در دارالشرع اجتماع کردند. آنها سپس به طرف بازار آمدند و هر مغازه ای را که گشوده می دیدند، بستند. آنگاه با فریاد و فغان روی به ارگ سلطنتی آوردند. مردانی که قبل از زنان در سنگلج و دارالشرع گرد آمده بودند، به دنبال زنان راه افتادند. برخی از مردان برای مراقبت از آنان، در اطراف زنان راه می رفتند. زنان در میدان ارگ به داد و فریاد پرداختند، به گونه ای که شاه را وحشت فرا گرفت. زنان همچنان فریاد می زدند: ای خدا می خواهند دین ما را ببرند، علمای ما را بیرون کنند، تا فرد عقد ما را فرنگیان ببندند، اموات ما را فرنگیان کفن کنند و دفن کنند، بر جنازه ما فرنگیان نماز بگذارند. نایب السلطنه کامران میرزا، با ملایمت به آنها می گفت: همشیره ها، فرنگی را بیرون می کنیم، هیچ یک از علما را نمی گذاریم بیرون بروند، خاطرات جمع باشد و ... اما پیش از آن که سخن وی به پایان برسد، زنان او را با داد و فغان فراری دادند.»

به جمعیت زنان اطلاع رسید امام جمعه منصوب شاه، به تهدید مردم مشغول شده است. از این رو، زنان به مسجد شاه رفتند و او را از منبر به زیر کشیدند. آنها سپس به میدان ارگ بازگشتند و شعارهای واشریعتنا، و اسلاما، یا علی و یا حسین آنان در تمام کوچه ها و بازارهای اطراف ارگ به گوش می رسید. شاه بار دیگر با ارسال پیغام آنان را به آرامش دعوت کرد؛ اما زنان فریاد می زدند: ما شاه نمی خواهیم. در این میان، زنان، وزیر دربار را که به آنها گفته بود چرا دیگر به خانه هایتان نمی روید، به باد کتک گرفتند و به نایب السلطنه که بار دیگر به قصد متفرق کردن زنان آمده بود، حمله بردند و او را وادار به عقب نشینی و فرار به داخل عمارت سلطنتی نمودند. یکی از زیر دستان نایب السلطنه که وضع را این گونه دید، به دسته ای از سربازان که به بی پدران معروف بودند، دستور شلیک داد. عده ای از مردان و زنان کشته شدند. پس از آن، مردم به دستور علما متفرق شدند اما روز بعد دوباره بازگشتند و اینکار تا لغو قرار داد توتون و تنباکو ادامه یافت.

اعتراض زنان به قرارداد رژی، به زنان تهران محدود نماند بلکه زنان دیگر شهرها به ویژه شیراز و تبریز را در بر گرفت. در شیراز، زنان در کنار مردان به اعتراض عمومی دست زدند.

جایگاه اجتماعی زنان کرمانی

بستر مناسبی که برخی زنان بزرگ و فرزانه در گذشته مهیا کردند و زمینه های مناسبی که گذر پیشرفت های کنونی بدست آمده موجب شد تا در تاریخ کرمان نیز شاهد حضور زنان بزرگ و مقتدری در عرصه های اجتماعی و فرهنگی باشیم. زنانی که گاه از حد انتظار و توقع جامعه خود فراتر رفتند و طرحی نو در انداختند تا شایستگی های افزون خود را بروز دهند و ناباوران را به نگرشی تازه وادار کنند. آنچه بسیار ارزشمند است اینکه حضور زنان کرمانی در میدان های گوناگون افتخار و سربلندی، بر این اندیشه نادرست خط بطلان کشید که آگاهی زن کرمانی در فعالیت های اجتماعی و علمی او زمینه ساز مشکلات اخلاقی و فرهنگی است. اینان نه فقط نادرستی این نظر را ثابت کردند، بلکه با ارائه کارنامه ای سرشار از موفقیت و پیروزی این باب تازه را گشودند که در یک جامعه سالم و بالنده، زنان کرمانی به عنوان عضوی سازنده و موثر در تلاش و تکاپو هستند و بخشی از افتخارات بدست آمده مدیون همین پویایی و حرکت است. (فاطمه جهانگرد، ۱۳۸۸، جان

جهان دفتر سوم، ص ۳۸). این زنان، در گوشه ای از خاک همیشه سرفراز کرمان و همراه و همپای سایر زنهای این مرز و بوم نشان دادند که نیروی مغزی زن و مرد و میراث ژنتیکی این دو جنسیت، دارای ارزش یکسان است و آن گاه که تنگ نظریها از میان برود و خلاقیت های آن ها نمایان می شود و جامعه را از بر کسب خدمات ارزشمند خود بهره مند می سازد. هر چند که این بیان، گاهی از سوی آنها، سخن تندتری یافته و با قضاوت مردانی که زن را ناتوان یافته برخورد جدی کرده و چنین داوری هایی را به چالش کشیده اند، به عنوان نمونه بانوی شاعره ی کرمانی که این گونه می خروشد:

من مرد را با شیر نه، با شیر جان پرورم در بهترین گهواره یعنی مهر دامان پرورم
من مام سام و آرمشم، چون موج دریا سرکشم، بانو گشسبی پرتوان، رزمنده و آتش و شم
باری جایگاه اجتماعی زنان کرمانی گویای همه واقعیت های جامعه ماست.

در دوران قاجار، زنان در کرمان تا اندازه ای به آزادی اجتماعی دست یافتند. باز شدن راه و دیدار از کشورهای اروپایی و رفت و آمد اروپائیان به ایران، رفته رفته مردم آزادیخواه را بیدار کرد. زن و حقوق اجتماعی او مورد نظر روشنفکران قرار گرفت و از سختگیریهای دوران صفویه کاسته شد. روشن است که این پدیده اجتماعی نوین و رسیدن به آزادی زنان ایران با مبارزات فراوان روبرو می شد و تا پیشرفت و رسیدن به هدف راه درازی بود. زیرا فرهنگ، سنت و رسم و آیین در خانواده ها یکسان نبود و زن نمی توانست به آسانی به آزادی اجتماعی برسد، همچنان روزگاران گذشته، زنان در روستاها آزادی بیشتری داشتند و چون در ساختار اقتصادی خانواده با مردان شریک و همکاری می کردند، از احترام بیشتری برخوردار بودند. در جشنها و میهمانیها در کنار مردان به پایکوبی می پرداختند و در کوچه و خیابانها آزادانه دیده می شدند. چند همسری و صیغع کردن کمتر دیده می شد و زنان روستا یگانه عشق همسر خود بودند. نوع زندگی و آزادی زنان در همه شهرها یکنواخت نبود. در هر شهر و دیار، بر پایه باورهای اجتماعی و خانواده زن آزادی اجتماعی ویژه خود را داشت تا آنجا که نوع لباس و برخورد اجتماعی آنان با مردان متفاوت بود. در برخی از شهرها، زنان بیشتر در خانه می ماندند و به کار خانه داری و شوهر داری می پرداختند. این ویژگی نیز در مورد زنان بزرگان که کنیز و فرمانبرداران فراوان داشتند به کار می رفت. آنها هم آزادی چندانی نداشتند و بدون اجازه و فرمان مرد، از خانه بیرون نمی شدند، تا در کوچه و بازار دیده نشوند. زنان در شمال ایران و زنهای عرب در جنوب از آزادی بیشتری برخوردار بودند و به پوشاندن روی و موی چندان اهمیت نمی دادند. در بعضی از شهرها زن ها روی خود را با روبنده و پیچه می پوشاندند. زن و مرد در خیابانها از یکدیگر جدا می شدند، زنان از یک سو و مردان از سوی دیگر می گذشتند. زنان درباری در زمان بیرون شدن از دربار و حرمسرا تشریفات ویژه ای داشتند رواندی می نویسد: «از تشریفات ناپسند، آن هم به دستور خانم های خودپسند (درباری) در عهد قاجاریه، مزاحمت فراشان بود در موقع عبور حرم، که در اطراف کالسکه می دویدند و مردان را بانهبیب «کورشو» رد می کردند، گوئی فراشان مرد نبودند. فریاد «دوشو و کور شو» به فلک می رفت. روزی مردی فرنگی از راه می گذشت، پشتش را به آنها کرد و کلاشه را برداشت که شرقی و غربی ادب به جا آورده باشد!».

با اینهمه، در این دوره نمونه های چشم گیر از شرکت زنان در کارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دیده شده که نشانگر جنبش ابتدائی زنان برای دستیابی به آزادی است. حسن آزاد می نویسد: «در عهد ناصرالدین شاه چندین تظاهرات نیز به وسیله زنان علیه این پادشاه انجام شد که شادی این عمل از جمله قدم هائی بود که زنان را وادار به اعتراض در امری می نمود. یکی از این تظاهرات زنانه در اصفهان به دنبال گران شدن قیمت مس انجام گرفت، و چون زنان در زیر چادر از دید ماموران دولتی مخفی بودند و شرعا و عرفا نیز کسی حق زدن آنان را نداشت، لذا به پیشنهاد شوهران خود به خیابان ریختند و با تظاهرات اعتراض آمیز خود باعث شدند تا از قیمت مس کاسته شود.»
نمونه دیگر اینکه چند زن با جسارت و شهامت تام، از ناصرالدین شاه چنین خرده می گیرند: «شما به جای اینکه به حال رعایا برسید و تعدی نایب السلطنه را از سر کوتاه کنید، جز در پی زنها دویدن کار دیگری ندارید مگر شما همان نیستید که چهل سال قبل از این، چند روز در تهران قحطی شد و محمود خان کلاتر را کشتید.»

اگر در شهر اصفهان که شهروندان سنت و آئین را بیشتر پیروی می کردند، زنان به چنان تظاهراتی دست زده اند و ماموران دولتی (شرعا و عرفا) حق آزار و شتم آنها را نداشتند و باز اگر زنان توانسته باشند با چنان شهامت و جسارتی رو در روی شاه، از او واخواست و عیب جوئی کنند، پس جنبش آزادی زنان در دوره قاجار پایه گذاری شده و زنان بیشتر از پیش توانستند در کارهای سیاسی و اجتماعی شرکت کنند.

در تاریخ پادشاهان قاجار بیشتر از پیشرفت های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از زبناگی و نظر بازی آنان سخن رفته است. این ویژگی در زندگی فتحعلیشاه و ناصر الدین شاه چشم گیرتر از دیگر پادشاهان قاجار است. ولیعهد قاجار در نوجوانی و گاه در کودکی انتخاب می شد و در همان کودکی (۱۴ یا ۱۵ سالگی) با دختری پیوند زناشویی می بست.

دیری نمی پایید که شاه جوان از اولین همسر خود کناره گرفته و رفته رفته به شمار زنهای عقدی و صیغه در دربارش افزوده می شد. بدین روی شاه و درباریان دست اندرکارهای سیاسی کشور، بیشتر در پی انتخاب همسر زیبا و هم خوابه نوینی بودند تا در اندیشه راه گشائی

برای مشکلات سیاسی و رفاه اجتماعی. آنچه بیشتر جای شگفتی و اندوه است اینکه، زنجاری و خوشگذرانی در دربار پادشاهان قاجار، همزمان با پیشرفت های علمی، ادبی، اقتصادی و کشور گشائی اروپائیان بوده و آنگاه که ایرانی می بایست همگام با انقلاب صنعتی سده هیجده پیش رود به فرود علمی، اقتصادی و سیاسی می رسید.

آقا محمدخان، بنیان گذار سلسله قاجار هرگز پی تن آسائی و خوش گذرانی نبود، چون زناشویی نکرد، فرزندی نداشت که جانشین او باشد. پس از مرگش برادر زاده او به نام باباخان که حکمران فارس بود، به تهران آمد و با نام فتحعلیشاه به پادشاهی رسید. در دوران پادشاهی فتحعلیشاه از ارزش اجتماعی زن ایرانی بیش از هر زمان دیگر کاسته شد. زن تنها برای هم خوابگی مرد بود و شاه و درباریان در این راستا پیشرو ملت بودند. ناموری دومین شاه قاجار در کشور داری و آبادانی ایران نیست. او در تاریخ، یگانه شاه ایران است که در زنجاری و نظر بازی به گفته بیشتر تاریخ نویسان، همتائی ندارد. فتحعلیشاه در درازای زندگی خود با زنان گوناگون از نژادهای مختلف زناشویی کرده و نام و نشان ۱۶۰ تن آنها در تاریخ به جای مانده. از این زنها، فرزند و فرزند زادگان بسیار به وجود آمد. سعید نفیسی، سخنی را از محمد تقی سپهر نویسنده ناسخ التواریخ، که همزمان با فتحعلیشاه می زیسته چنین آورده:

«... از روزیکه پادشاه به حد رشد و بلوغ رسید... تا این وقت که به جهان دیگر شتافت از چهل و هفت سال افزون نبود. در این مدت قلیل از او دو هزار تن فرزند و فرزند زاده به عرصه شهود خرامید و بیشتر ایشان هم در حیات او وداع زندگانی گفتند و تا این زمان که پس از وفات او بیست و یک سال سپری شد، اگر فرزند و فرزندزادگان آن پادشاه را شماره کنیم، عجب نباشد که با ده هزار تن راست آید... فرزند و فرزندزادگان که هنگام وفات شهریار زندگی داشتند همانا دویست و شصت تن دختر و پسر بی واسطه بودند.»

اگر بپذیریم که جمعیت ایران در آن زمان بین ده تا دوازده میلیون بوده باشد (زیرا سرشماری و آمار درستی از جمعیت در دست نداریم) و اگر ده هزار تن فرزند و فرزند زاده گان شاه بوده باشند، جای شگفتی نیست که فتحعلیشاه را پدر ملت ایران می خوانند! این ویژگی در تاریخ زندگی هیچ یک از پادشاهان ایران دیده نشده، چنانکه رضا قلی خان هدایت می نویسد: «... از آغاز پادشاهی کیومرث پیشدادی تا کنون که یکهزار و دویست و هفتاد هجری است در هیچ تاریخی به نظر نرسید که کثرت اولاد هیچ سلطانی بدین تعداد بوده باشد، چه که از بدو شباب تا ختم شبیب ۱۲۶۰ اولاد ذکور و اناث از آن شاهنشاه جمجاه به وجود آمده و مساوی ۱۵۹ نفر در ایام حیات آن زبده ممکنات متدرجاً وفات جسته اند.»

مری شیل به سبب قرار داشتن در عرصه سیاسی ایران دیدگاه هایی خاص دارد که با جست و جوی هر چه بیشتر در نوشته اش می توان به تحرکات مرموزانه و زیرکانه سیاست های انگلیس در زمان ناصرالدین شاه از جمله دخالت همسر او در جریان تحریکات خصمانه علیه امیرکبیر و قتل او دست یافت. مری شیل در سفرنامه اش علاوه بر اهمیت سیاسی، جنبه اجتماعی روزگار قاجاریان به ویژه جایگاه زنان ایرانی را به وضوح نشان می دهد.

نتیجه گیری

شخصیت زن کرمانی از ابعاد مختلف قابل نگرش و بررسی بود، به بیان دیگر آن چه نقش زن کرمانی را در قاجار پر رنگ تر ساخته و از او چهره ای متفاوت ارائه کرده است یک مورد خاص نیست، زن کرمانی مظهر صبر و بردباری است، اما تمامی توفیق او در این رهگذر شکل نمی گیرد، زن کرمانی، سمبل مهربانی و عاطفه است، اما این اصل نیز همه موفقیت او را تشکیل نمی دهد و ... بلکه مجموعه ای از خصوصیات اخلاقی و رفتار اجتماعی است که زن کرمانی در دوره قاجار را معنا می کند. آن چه در این اثر آمده تنها مشتتی از خروار و نمونه ای از جامعه زن کرمانی در دوره قاجار و ارزش های او در گذر زمان، آن دوره تاریخ است، والا کیست که نداند در کنار هر مرد موفق زن موفق وجود دارد و توفیق مردان حاصل نمی شود، مگر در سایه گذشت و مهربانی، عطوفت و ساماندهی زندگی از سوی زن، و شریک زندگی او، اگر استاد بهمنیار توانست آن همه رنج زندان و تبعید و اسارت و در جوار آن دشواری فتح قلعه های سعادت و علم و دانش را یک جا تحمل کند و خود را به ستیغ بلند پویایی و عزت برساند اگر استاد باستانی پاریزی توانست در طول عمر با برکت خود چند ده جلد کتاب بنویسد آن همه اثر ارزشمند بیافریند. اگر حاج میرزا محمدرضا احمدی امام جمعه وقت کرمان با آن همه دشمنیها و رذالت هایی ظفر السلطنه و کارشکنی های کارساز همسرانشان منظور کرد و عجباً که هیچ کدام به این مقوله نپرداخته و تاریخ را تهی از آگاهی های لازم در امور زمان گذاشته اند، دیگری که در این باب سخن نگفته اند البته بنده بسیار کوچکتر از آن هستم که بخواهم در خصوص این بزرگواران توضیح دهم و بگویم که پایان نامه ما تمام مسائل زنان در دوره قاجار صحبت کرده و آنها را به رشته تحریر در آورده باشیم.

منابع و مراجع

- [۱] اتحادیه، منصوره، ۱۳۶۱، خاطرات تاج السلطنه، تهران، تاریخ ایران.
- [۲] اجتهادی، مصطفی، ۱۳۸۲، دایره المعارف زن ایران، تهران، مرکز امور مشارکت زنان.
- [۳] احمدی، شیخ یحیی، ۱۳۵۴، فرماندهان کرمان، کرمان، کرمانشناسی
- [۴] استرآبادی، بی بی خانم، ۱۳۷۲، معایب الرجال، تهران، باران.
- [۵] اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۵۶، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، تهران، امیرکبیر.
- [۶] اعظام قدسی، حسن، ۱۳۴۲، خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله، بی جا، بی نا.
- [۷] باستانی پاریزی، ابراهیم، ۱۳۵۵، وادی هفتواد، ج اول، تهران، انجمن آثار ملی.
- [۸] باستانی پاریزی، ابراهیم، ۱۳۶۸، هشت الهفت، چاپ اول، تهران، نوین.
- [۹] بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، ۱۳۸۲، دایره المعارف زن ایرانی، تهران، البرز.
- [۱۰] پاولویچ، م، سه مقاله درباره انقلاب مشروطیت ایران، تهران، بی نا، بی تا.
- [۱۱] توانا، مراد علی، ۱۳۸۰، زن در تاریخ معاصر ایران، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، تهران، برگ زیتون
- [۱۲] تیموری، ابراهیم، ۱۳۶۱، قرارداد ۱۸۹۰ رژی یا تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- [۱۳] جهانگرد، فاطمه، ۱۳۸۸، جان جهان، کرمان، کرمان شناسی
- [۱۴] حجازی، بنفشه، ۱۳۸۲، تذکره اندرونی (شرح احوال و شعر شاعران زن در عصر قاجار تا پهلوی اول)، تهران، قصیده سرا
- [۱۵] داندانیامیو، م. آ. ۱۳۸۵، تاریخ ایران از زمستان باستان تا امروز، تهران، مروارید.
- [۱۶] دفتر برنامه ریزی و تالیف کتاب های درسی ایران، تاریخ سال سوم آموزش متوسطه (نظام قدیم)، ۱۳۷۲، رشته علوم انسانی، دفتر برنامه ریزی و تالیف کتاب های درسی ایران
- [۱۷] دفتر برنامه ریزی و تالیف کتاب های درسی ایران، ۱۳۸۵، تاریخ سال سوم راهنمایی، دفتر برنامه ریزی و تالیف کتاب های درسی ایران
- [۱۸] دلریش، بشری، ۱۳۷۵، زن در دوره قاجار، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، زوار
- [۱۹] دولت آبادی، یحیی، ۱۳۷۱، حیات یحیی، تهران، عطار و فردوس
- [۲۰] دیوان بیگی شیرازی، سید احمد، ۱۳۶۶، حدیقه الشعراء، ادب و فرهنگ در عصر قاجاریه، تهران، زرین
- [۲۱] رازانی، ۱۳۷۹، زن در دوران شاهنشاهی ایران، تهران، علم.
- [۲۲] سایکس، سرپرسی، ۱۳۶۳، تاریخ ایران (جلد ۱)، تهران، دنیای کتاب
- [۲۳] سایکس، سرپرسی، ۱۳۶۳، تاریخ ایران (جلد ۲)، تهران، دنیای کتاب
- [۲۴] سیاح، محمدعلی، ۱۳۵۶، خاطرات حاج سیاح، تهران، امیرکبیر
- [۲۵] شعبانی، رضا، ۱۳۸۷، مروری بر تاریخ ایران، ج دوم، تهران، سخن
- [۲۶] شمیم، علی اصغر، ۱۳۶۳، ایران در دوره سلطنت قاجار، ج دوم، تهران، جاویدان
- [۲۷] شوستر، مورگان، ۱۳۳۴، اختناق ایران، تهران، کاویان
- [۲۸] صنعتی زاده کرمان، عبدالحسین، ۱۳۶۸، روزگاری که گذشت، بی جا، چاپخانه گیلان
- [۲۹] عضدالدوله، میرزا احمدخان، ۱۳۷۶، تاریخ عضدی، تهران، علم
- [۳۰] عیسوی، چارلز، ۱۳۶۲، تاریخ اقتصادی ایران، تهران، گستره
- [۳۱] کاساکوفسکی، کلنل، ۱۳۵۳، خاطرات کنل کاساکوفسکی، تهران، سیمرغ
- [۳۲] ناظم الاسلام کرمانی، محمد، ۱۳۶۲، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، آگاه نوین
- [۳۳] کسروی تبریزی، احمد، ۱۳۶۹، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر
- [۳۴] گلاب زاده، سید محمدعلی، ۱۳۹۰، زن کرمانی روشنای زندگی، کرمان، نشر ولی
- [۳۵] گلاب زاده، سید محمدعلی، ۱۳۸۹، نامها و لقب های جالب در تاریخ کرمان، ولی، اول
- [۳۶] مردوخ کردستانی، شیخ محمد، ۱۳۷۹، تاریخ مردوخ، تهران، کارنگ
- [۳۷] مستوره، ماه شرف خانم، تاریخ اردلان، چاپخانه بهرامی، بی جا، بی تا
- [۳۸] ملک زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، کتابخانه سقراط، بی تا
- [۳۹] منشی، ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲، سمط العلی للحضر العلیا، تهران، اساطیر

- [۴۰] مهاجر، نجف علی، ۱۳۸۴، فرهنگنامه زنان پارسی گوی، تهران، اوحدی
- [۴۱] میروشنگف، ۱۳۴۴، ایران در جنگ جهانی اول، تهران، بی نا
- [۴۲] ناهید، عبدالحسین، ۱۳۶۰، زنان در جنبش مشروطه، تبریز، احیاء
- [۴۳] وزیر، احمدعلی خان، ۱۳۵۳، تحشیه باستانی پاریزی، تهران، ابن سینا
- [۴۴] هدایت، مهدی قلی خان، ۱۳۴۴، خاطرات و خطرات، تهران، زوار